

دوفصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،  
سال چهاردهم، شماره بیست و هشتم (بهار و تابستان ۱۴۰۲)

**Criteria of Greatness (Kirama) in Islam and its Relation with God's attributes, an  
Emphasis on Ayatollah Javadi Amoli's Perspective**

Hosein Rabizade Ravandi<sup>1</sup> \ Reza Nowroozi<sup>2</sup> / Mohammadreza Karimi Vala<sup>3</sup>

**Abstract**

One of the most important criteria in humanology is undoubtedly the "Greatness (Kirama)". Human's greatness is alongside its completion. Moreover, the concept of exaltation -as part of completion and greatness- shows a horizontally ascent in the degrees of completion and greatness. That's why we witness differences, on one hand, in humans' degrees of greatness originated from descent movement (Seir Nozoul) and human's intrinsic greatness; and on the other hand, to his acquired greatness in upward movement. An important problem in the investigation of human's greatness is explaining the indexes of greatness in Islam and the relation of each index with God's attributes. Based on Ayatollah Javadi Amoli's views in a descriptive-analytic method, this article explains the indexes of human's greatness as well as their relation with God's attributes. The three indexes are the result: God's caliphate, wariness and meeting God. Investigating the indexes, their firm relation with God's attributes is proved since their accomplishment depends on human epitome of God's attributes.

**Keywords:** Humanology, human's greatness, God's attributes, God's caliphate, wariness, meeting with God.

<sup>1</sup> - Phd student, Teaching Islamic knowledge, University of Qom,

[h.rabiezadeh61@gmail.com](mailto:h.rabiezadeh61@gmail.com)

<sup>2</sup> - Associate professor, Faculty of Islamic Knowledge, University of Qom, (Corresponding author),

[r.nowroozi@qom.ac.ir](mailto:r.nowroozi@qom.ac.ir)

<sup>3</sup> - Associate professor, Faculty of Islamic Knowledge, University of Qom,

[r.karimivala@qom.ac.ir](mailto:r.karimivala@qom.ac.ir)



## شاخص‌های کرامت در اسلام و ارتباط هر یک با اسماء الهی با تأکید بر آراء آیت‌الله جوادی آملی

حسین ربیع زاده راوندی<sup>۱</sup> / رضا نوروزی<sup>۲</sup> / محمدرضا کریمی‌والا<sup>۳</sup>

### چکیده

بی‌تردید یکی از مسائل مهم انسان‌شناسی، مقوله کرامت است. کرامت انسان در امتداد کمال او قرار دارد و مفهوم اعتلا و ارتقای مندرج در دو واژه کمال و کرامت، سیری عمودی در درجات کمال و کرامت را برای انسان ترسیم می‌سازد؛ لذا شاهد تفاوت در درجات کمال بین انسان‌ها هستیم که این تفاوت، از یک‌طرف به سیر نزول و کرامت ذاتی انسان منتسب است و از طرف دیگر به کرامت اکتسابی او در قوس صعود مرتبط است. حال یکی از مسائل مهم در بررسی کرامت انسان، تبیین شاخص‌های کرامت در اسلام و ارتباط هر یک از این شاخص‌ها با اسماء الهی است. این مقاله با روش تبیینی-تحلیلی با تأکید بر آراء آیت‌الله جوادی آملی، ضمن تبیین شاخص‌های کرامت انسان به بررسی ارتباط آنها با اسماء الهی می‌پردازد. در این بررسی به سه شاخص عمده خلافت الهی، تقوا و لقاء الهی دست می‌یابیم که در بررسی این شاخص‌ها به ارتباط وثیق آنها با اسماء الهی می‌رسیم؛ چراکه تحقق هر یک از این سه شاخص، منوط به مظهریت انسان در اسماء الهی است.

کلیدواژگان: انسان‌شناسی، کرامت انسان، اسماء الهی، خلافت الهی، تقوا، لقاء الهی.

h.rabiezadeh61@gmail.com

r.noroozi@qom.ac.ir

r.karimivala@qom.ac.ir

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قم.

<sup>۲</sup> - دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، (نویسنده مسئول).

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم.

## ۱- مقدمه

یکی از مسائل مهم انسان‌شناسی، مقوله کرامت انسان است؛ لذا بدون شناخت عمیق از کرامت انسان، نمی‌توان شناختی کامل از انسان و تکامل او داشت. براساس آیات قرآن کریم، انسان‌ها از دوگونه کرامت بهره‌مند هستند: ۱. کرامت تکوینی «و لقد کرمنا بنی آدم»؛ (اسراء/ ۷۰) ۲. کرامت اکتسابی «انّ اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/ ۱۳). براساس کرامت تکوینی - که موهبتی الهی است و در بستر آن توانمندی‌ها و استعدادها هرچند به صورت متفاوت نهادینه شده‌است - نوع انسانی از موجودات دیگر ممتاز می‌گردد. هرچند این نوع از کرامت فاقد عنصر اختیار است، انسان‌ها در حفظ و صیانت از این کرامت و حرکت اختیاری به سوی کمال مطلق که همان کرامت ارزشی است، بسیار متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها منشأ درجات بی‌شمار می‌گردد. فاصله بین این درجات در آخرت که ظرف ظهور درجات است، در برخی از روایات با تعبیری مثل: «هفتاد سال راهپیمایی با اسب نیرومند تیزرو» (رک: طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۱۴۹؛ طریحی، ۱۹۸۵: ج ۵، ۴۳) بیان شده‌است یا با عباراتی همچون «فاصله میان زمین و آسمان» (رک: عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۰۵) ذکر گردیده‌است.

در بررسی کرامت انسان، محورهای متنوعی قابل بحث و بررسی است؛ اما در این نوشتار، تبیین شاخص‌های کرامت انسان در اسلام و تحلیل رابطه این شاخص‌ها با اسماء الهی با تأکید بر آراء آیت‌الله جوادی آملی مورد توجه اصلی است. لازم به ذکر است هرچند در رابطه با کرامت انسان و بسترهای ارتقاء این کرامت، پژوهش‌هایی انجام گرفته‌است؛ مثل "کرامت در قرآن" و "تفسیر تسنیم" (۱۳۹۹: ج ۳، ۱۸-۲۳۰؛ ج ۴، ۴۹-۴۹۶-۵۲۱؛ ج ۵، ۵۷: ۶۴۹-۶۵۰) از آیت‌الله جوادی آملی، رساله لقاء الله از آیت‌الله ملکی تبریزی (صص ۷-۵۵) و الشموس الطالعة فی مشارق الزیارة الجامعة از آیت‌الله درودآبادی همدانی (صص ۲۵۱-۲۵۳ و ۱۵۰-۱۵۱) و (۷۱۶)، اما مسئله اصلی این پژوهش - که تبیین شاخص‌های کرامت در اسلام و ارتباط هر یک از این شاخص‌ها با اسماء الهی است - در پژوهش‌های صورت گرفته مورد تحلیل و تبیین واقع نشده‌است و بسترهای مهم تفاوت درجات کمال انسان‌ها با محوریت کرامت الهی و با تأکید بر اسماء الهی در پژوهش‌ها، کمتر دیده می‌شود. در این پژوهش، پس از تبیین شاخص‌های کرامت انسان در ذیل هریک، سه گونه رابطه تبیین می‌گردد که عبارتند از: رابطه هریک از این شاخص‌ها با کرامت انسان، رابطه هریک با اسماء الهی و رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور هریک از این شاخص‌ها. این پژوهش علاوه بر اینکه در عمق بخشی به مسائلی از انسان‌شناسی دینی مثل کمال، کرامت، خلافت الهی نقش مهمی دارد، می‌تواند مقوله کرامت در

اسلام را با سه شاخص عمده یعنی خلافت الهی، تقوا و لقاء الهی از سایر انسان‌شناسی‌های بر محور کرامت جدا سازد<sup>۱</sup> و شوق مضاعف در دستیابی به درجات برتر کمال و کرامت ایجاد کند.

نکته مهم و قابل توجه این‌که در بررسی تفاوت درجات کمال و کرامت انسان‌ها آن است که علاوه بر توجه به کرامت اکتسابی در سیر صعودی انسان، باید به کرامت ذاتی و سیر نزولی او نیز توجه شود؛ بدین معنا که در بحث کرامت ذاتی از یک طرف به کرامت‌هایی که به نوع انسان عطا شده است توجه می‌شود؛ که این کرامت‌ها برخاسته از استعدادهایی هستند که موجب تمایز نوع انسان از سایر موجودات می‌گردد، اما از طرف دیگر در بین افراد انسان نیز استعدادهای متفاوتی وجود دارد. بدین معنا که استعدادها و زمینه‌های تعالی در همه انسان‌ها به شکل یکسان و همانند به ودیعه گذاشته نشده است، بلکه تفاوت‌هایی در این استعدادها وجود دارد که موجب تفاوت درجات انسان‌ها می‌شود (رک: جامی، ۱۳۷۰: ۱۱۶ و ۱۱۸). کرامت به معنی نفیس بودن و عزت است (الخورى الشرتونی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۰۷۹؛ المقرئ الفیومی، ۱۳۴۷: ج ۲، ۲۱۸)، لکن مفهوم عزت در کرامت، برخاسته از ذات و امری درونی است که برتری جویی نسبت به دیگران در آن ملحوظ نمی‌باشد (رک: مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۰، ۴۹ و ۵۱). برخی از لغت‌شناسان مفاهیمی مثل جود، اعطاء، سخاء، صفح، عظیم، نزاهت، نیکو و پسندیده و مورد رضایت و ستایش را برای این واژه ذکر کرده‌اند (رک: الخورى الشرتونی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰؛ ابن‌منظور، بی‌تا: ج ۱۲، ۵۱۰ و ۵۱۴؛ قرشی، ۱۳۵۲: ج ۶، ۱۰۳ و ۱۰۴)؛ البته هر یک از این مفاهیم به تنهایی معادل واژه کرامت نمی‌باشند، هرچند عصاره همه این مفاهیم در کرامت اخذ شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ج ۴۹، ۴۹۸) و به عبارتی دیگر این مفاهیم از آثار و لوازم کرامت به‌شمار می‌آیند (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۰، ۵۰ و ۵۱). همان‌گونه که واژه‌هایی چون لثامت، اهانت و دنائت مقابل کرامت بیان شده است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۰۱۹؛ فیروزآبادی، بی‌تا: ج ۴، ۱۷۱؛ مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۰، ۴۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ج ۱، ۲۰۲ و ۲۰۵؛ همو، ۱۳۶۶: ۴۳). بسیاری از کتب لغت، کلمه کرامت را عنوان جامعی برای انواع خیرها، شرافت‌ها، فضائل و محاسن بزرگ دانسته‌اند (رک: ابن‌منظور، بی‌تا: ج ۱۲، ۵۱۰؛ طریحی، ۱۹۸۵: ج ۸، ۱۵۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹).

در قرآن کریم، واژه کریم و اکرم بر موجوداتی اعم از مجرد و مادی اطلاق گردیده است؛ مانند خداوند متعال (علق / ۳؛ نمل / ۴۰؛ انفطار / ۶)، پیامبران (دخان / ۱۷)، ملائکه (عبس / ۱۶؛ تکویر / ۱۹)، عرش (مؤمنون / ۱۱۶)، قرآن (واقع / ۷۷)، نامه (نمل / ۲۹)، گیاهان (شعراء / ۷)، اجر الهی (حدید / ۱۱)، رزق الهی (حج / ۵۰)، مکان (شعراء / ۵۸)، سخن (اسراء / ۲۳) و بنی آدم (اسراء / ۷۰). با توجه به اطلاق این واژه در موارد ذکر شده می‌توان ادعان نمود که واژه کرامت هم بر واجب‌الوجود و هم بر ممکن‌الوجود به نحو اشتراك

معنوی اطلاق گردیده است و این مفهوم از نحوه وجود، انتزاع و بر آن حمل گردیده است و کامل‌ترین مصداق کرامت که دارای عالی‌ترین درجه وجود است، خداوند متعال است که کرامت در او بالذات است و سایر موجودات نیز هر یک با توجه به درجه وجودی خود از کرامت‌بالغیر بهره‌مند هستند (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۷). از بین موجوداتی که به کرامت‌بالغیر متصف شده‌اند، انسان از کرامتی ویژه‌ای برخوردار است و عامل موثر در این موضوع، ظرفیت بالقوه انسان است که می‌تواند جامع تمام اسماء حسنا‌ی الهی گردد (رک: درودآبادی همدانی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

## ۲- اقسام کرامت

کرامت در بین موجودات اعم از انسان و غیر او را می‌توان به سه قسم تقسیم کرد: الف) کرامت ملکوتی که مربوط به خداوند، فرشتگان، عرش الهی، حاملان عرش و... است. ب) کرامت طبیعی که مربوط به موجودات طبیعی است و نمونه‌اش را می‌توان در گیاهان دید: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ نُثَبِّتُ فِيهَا مِنْ كُلِّ رَوْحٍ كَرِيمٍ» (شعراء / ۷: ج) کرامت انسانی (تلفیقی بین طبیعت و فراطبیعت) که ویژگی این کرامت آن است که بین مُلک و ملکوت جمع می‌کند و کرامتی دو بُعدی را ظاهر می‌سازد و انسان مظهر این کرامت در نقطه اوج، خلیفه الهی در تمام اسماء است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۳۲۷ - ۳۳۱). اما کرامت انسان، دارای دو جنبه است: الف) کرامت ذاتی (تکوینی) که موهبتی الهی به همه انسان‌هاست؛ به این معنا که خداوند انسان‌ها را به گونه‌ای آفرید که در مقایسه با برخی موجودات - اعم از جماد و نبات و حیوان - از لحاظ ساختمان وجودی و امکانات، مزایای بیشتری دارند یا تنظیم و ساختار امکاناتشان به شکل بهتری صورت پذیرفته است (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)؛ البته این عنایت الهی اگر با تلاش مخلصانه در مسیر حیات معقول مورد بهره‌برداری قرار گیرد، ارزشی مستند به اراده آزاد انسانی می‌یابد (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۳). نکته مهمی که باید بدان توجه کرد این است که هرچند همه انسان‌ها به صورت تکوینی و غیراختیاری از کرامت ذاتی الهی بهره‌مندند و آیه هفتادم سوره اسراء ناظر به آن است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۱۳، ۱۵۵)، لکن به لحاظ عرفانی، غیراختیاری بودن این کرامت موجب آن نیست که هیچ نقشی در تفاوت درجات انسان‌ها نداشته باشد. در عرفان اسلامی، تفاوت کرامت ذاتی عطا شده به انسان در قوس نزول، ناظر به اعیان ثابت انسان‌هاست و تفاوت در استعداد اعیان ثابت، مظاهر آنها یعنی آحاد انسان‌ها را متفاوت می‌نمایاند (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۰۵۹). از این رو تفاوت در انسان‌ها از تفاوت اعیان ثابت و استعدادهای آنها نشئت می‌گیرد و تفاوت در خود اعیان ثابت نیز مستند به تفاوت در اسماء الهی است (همان، ۹۱۹ و ۹۲۳). بر همین اساس عرفا در تحلیل آیات قرآن کریم که بیانگر تفاضل

رسولان الهی است مانند «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض» (بقره / ۲۵۳) به مظهریت رسولان از اسماء مختلف الهی تمسک می‌کنند (فرغانی، ۱۳۷۹: ۱۷۲؛ رک: جوادی آملی، ۱۳۹۸: ج ۴۹، ۲۵۲ و ۲۵۸).  
 ب: کرامت اکتسابی (ارزشی) که این جنبه از کرامت انسان، عبارت است از شرافت و حیثیت ارزشی که انسان‌ها با کوشش اختیاری در مسیر تزکیه نفس و تحصیل معرفت و تقرب به پروردگار متعال به دست می‌آورند. این همان کرامت برتر است که انسان‌ها به طور متفاوت با درجاتی گوناگون می‌توانند بدان برسند (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۳۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۶۱-۲۶۲).

### ۳- شاخص خلافت الهی انسان و رابطه آن با اسماء الهی

خلافت الهی انسان، یکی از مباحث کلیدی در انسان‌شناسی دینی است و می‌تواند یکی از معیارهای مهم در جداسازی انسان‌شناسی اسلامی از سایر انسان‌شناسی‌های مدعی کرامت باشد و در تبیین جایگاه انسان در عالم هستی، توجه به مقام خلافت الهی انسان و رابطه این خلافت با تعلیم اسماء الهی بسیار ضروری است (نوروزی، ۱۳۹۹: ۷۹). در این بحث، نخست به تبیین رابطه خلافت الهی انسان با کرامت، سپس به تبیین رابطه خلافت الهی با اسماء الهی و آنگاه به بیان رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان براساس ارتقاء درجات او در بستر خلافت الهی خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- تبیین رابطه خلافت الهی با کرامت

در قرآن کریم، خلافت مطلق الهی انسان در آیه: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰) مطرح گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۲۷۹) و مجموع قرائن متصل مثل سیاق، در ضمن این آیه و چند آیه بعد و همچنین قرائن منفصل مثل روایات، این حقیقت را تأیید و اثبات می‌کنند (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۰ و ۶۲ و ۹۲ و ۹۳). از سیاق این آیه و چند آیه بعد (بقره / ۳۴-۳۰) روشن می‌گردد که خداوند متعال خلافت انسان را به‌عنوان يك کمال و کرامت مطرح می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۶۰؛ رک: قشیری، ۲۰۰۰: ج ۱، ۷۵) و حقیقت تکریم در ضمن این آیات در قالب چند مؤلفه نمایان است: ۱. تعلیم همه اسماء به حضرت آدم (علیه‌السلام) که نمونه حقیقت انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۱۱۷؛ معرفت، ۱۳۸۷: ج ۲، ۳۳۹). ۲. انباء اسماء به ملائکه از سوی حضرت آدم (علیه‌السلام) (طوسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۴۵). ۳. سجود ملائکه بر حضرت آدم (علیه‌السلام) (همان، ۱۵۰؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۸۹ و ۱۸۸؛ آلوسی، بی‌تا: ج ۲۳، ۲۰۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۷۴) و ابلیس نیز که از امر به سجده بر حضرت آدم (علیه‌السلام)، تکریم و برتری او را دریافته بود با تکبر، آفرینش انسان از گل را مطرح کرد و گفت: «أَرَأَيْتَكَ هَذَا

الَّذِي كَرَّمْتِ عَلَيَّ» (اسراء/ ۶۲). در برخی از روایات نیز به این موضوع اشاره شده است که ملائکه در سجده بر حضرت آدم (علیه السلام) با خود گفتند که گمان نمی‌کردیم خداوند مخلوقی کریم‌تر از ما بیافریند (رک: عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۱ و ۳۳). با توجه به مؤلفه‌های تکریم که در ضمن آیات خلافت بیان شد، می‌توان ادعان نمود که خلافت الهی انسان موجب کرامت او است؛ از این رو منشأ کرامت انسان، خلافت الهی او قلمداد گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۲۸۷).

### ۳-۲- رابطه خلافت الهی با اسماء الهی

استعداد خلافت الهی، در نوع انسان قرار داده شده است.<sup>۲</sup> از این رو خلافت الهی به همه انسان‌ها -اعم از مؤمن و کافر- تعمیم می‌یابد؛ اما نه به صورت بالفعل، بلکه آنچه جعل شده است حقیقت جامع خلافت برای حقیقت انسان است و منشأ و رکن خلافت مطلق الهی انسان، علم به همه اسماء الهی است؛ چنانکه در ضمن آیه شریفه: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱) به آن اشاره شده است (رک: طباطبائی، ۱۳۹۴: ج ۱، ۱۱۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۱۲، ۷۴۸-۷۵۲؛ ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۰۸ و ۱۹۲). ناگفته نماند که انسان‌هایی از این خلافت بهره‌مند هستند که علم به اسماء را در وجودشان ایجاد نمایند، اما انسان‌هایی که اسماء الهی را در خود به فعلیت نرسانده‌اند، تنها از استعداد خلافت بهره‌مند می‌باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۴۰) و استعداد راهیابی به خلافت الهی را می‌توان همان کرامت ذاتی دانست که در نوع انسان قرار داده شده است، اما کرامت اکتسابی ناظر به فعلیت بخشیدن به این استعداد است.

با بررسی اسماء الهی به این نکته می‌رسیم که اسماء الهی قابل شمارش نیستند و برخی از آنها محیط و برخی دیگر محاطند. جامع اسماء الهی، اسم اعظم "الله" است که بر اسماء دیگر سیادت دارد (رک: آشتیانی، ۱۳۸۰: ج ۳۵۱؛ خوارزمی، ۱۳۷۷: ۱۰۶۵) و تحقق علم به اسماء الهی در پرتو مظهریت اسماء الهی است (فیض کاشانی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۹۹). از این رو اسماء الهی مظهر می‌طلبند و مظهر کلی و بی‌واسطه اسم جامع الله، پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و به تبع ایشان ائمه معصومین (علیهم السلام) می‌باشند (رک: آشتیانی، ۱۳۸۰: ج ۷۱۸ و ۷۴۳؛ درودآبادی همدانی، ۱۳۸۴: ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۶۸۵) و مظهریت کلی و بی‌واسطه ایشان از اسم اعظم، دائره خلافت الهی ایشان را به تمام عوالم گسترش می‌دهد (رک: ملاصدرا، ۱۴۱۹: ج ۳، ۳۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۳۸ و ۳۹) و ثمره چنین مظهریت و خلافت مطلق، کرامت مطلق آنان می‌باشد. سایر انبیاء، اولیاء، ملائکه و انسان‌های دیگر نیز به برکت وجود پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او از مظاهر جزئی و باواسطه اسم الله هستند و تحت پوشش این اسم از مظاهر سایر اسماء الهی از کلی به جزئی به شمار می‌آیند (رک: آشتیانی، ۱۳۸۰: ۷۱۵ و ۷۳۰؛ خوارزمی، ۱۳۷۷: ۱۰۶۶؛ درودآبادی همدانی، ۱۳۸۴: ۷۱۲ و

(۶۸۵). چنین مظهریتی دائره خلافت و کرامت آنها را با توجه به وسعت اسمی که مظهر آن می‌باشند محدود و مقید می‌سازد. پس با عنایت به سعه و ضیق در علم به اسماء و مظهریت آن‌ها، دائره امر خلافت نیز گاهی توسعه یافته و گاهی ضیق می‌گردد و این‌گونه خلافت الهی بر مدار علم به اسماء، به خلافت بدون واسطه و با واسطه با حوزه‌ای با وسعت زیاد یا کم با درجات گوناگونش تکثر پیدا می‌کند و این موضوع به دامنه کرامت هم سرایت می‌کند (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۰۴ و ۲۱۱ و ۲۱۳).

### ۳-۳- رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور ارتقاء درجات خلافت الهی

رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور ارتقاء در درجات خلافت الهی را می‌توان به دو صورت تشریح کرد: ۱. از آنجاکه منشأ کرامت انسان، خلافت الهی است و خلافت الهی نیز مبتنی بر علم به اسماء الهی است که حقیقتی تشکیکی است، خلافت الهی نیز که وابسته به آن است مشکک و به تبع آن، کرامت نیز امری مشکک می‌گردد. ۲. یکی از جهات عمده در بحث خلافت الهی آن است که کیفیت اوصاف کمالی در انسان خلیفه‌الله متفاوت است و ثبوت این اوصاف در حد حال یا ملکه، خلافت را نیز در چارچوب همان حد قرار داده و به کرامت نیز سرایت می‌کند. به این صورت که اگر ثبوت صفات کمالی برای کسی در حد حال بود، خلافت چنین شخصی از خدای سبحان نیز در حد حال خواهد بود و کرامت حاصل از این خلافت نیز در حد حال است. اگر ثبوت صفات کمالی در حد ملکه بود، خلافت او نیز در حد ملکه است و کرامت او نیز در همین حد خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۱۹۶؛ ۱۳۸۵: ج ۳، ۹۴-۹۷).

### ۴- شاخص تقوا و رابطه آن با اسماء الهی

یکی دیگر از شاخص‌های عمده در جداسازی کرامت اسلامی از سایر انسان شناسی‌های مدعی کرامت، تقواست که در متون دینی در ضمن آیات و روایات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ۲۵۷ و ۲۹۶)، اما آنچه در ضمن این عنوان تبیین و تحلیل می‌گردد، ابتدا رابطه تقوا با کرامت و سپس رابطه تقوا با اسماء الهی و در نهایت رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور ارتقاء در درجات تقوا می‌باشد.

### ۴-۱- رابطه تقوا با کرامت

رابطه تقوا با کرامت الهی انسان را می‌توان به دو شکل توضیح داد: الف) با توجه به حقیقت تقوا و اجزای آن و تطبیق آن با حقیقت کرامت و لوازم آن. حقیقت تقوا به تعبیر علامه جعفری (ره): «صیانت ذات در جاذبه کمال الهی» است (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۳۳) و دارای دو جزء اساسی است: ۱- صیانت ذات از آلودگی‌ها که

این جزء، مقدمه ضروری تکامل انسان است و هر اندازه بیشتر مراعات شود زمینه‌ساز تحول با مراتبی متفاوت در مسیر کمال است. ۲- تحصیل صفات برجسته و بافضیلت انسانی که ضامن بقاء و اشتداد تقوا برای رسیدن به کمال مطلق است (رک: جعفری، ۱۳۶۲: ج ۱۲، ۱۴۳). با توجه به این تعریف از تقوا و با توجه به اجزاء آن، انسان با مراعات جزء اول تقوا به پستی و خواری که ضد کرامت هستند تن در نمی‌دهد و درصدد تحصیل صفت سلبی کرامت که با نزهت و نجات از پستی طبیعت ملازم است برمی‌آید و با مراعات جزء دوم تقوا به صفت ایجابی کرامت که با اعتلاء و ارتقاء به بلندای ماوراء طبیعت همراه است روی می‌آورد (رک: جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۲۳). ب) در قرآن کریم در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۱۳). کرامت در نزد خداوند متعال که از کمالات نفسانی است، بر کمال نفسانی دیگر که تقواست متوقف شده‌است؛ یعنی کرامت در وجود و عدم، حدوث و بقاء و شدت و ضعف تابع تقوا است؛ زیرا اگر شیئی بر شیء دیگر متوقف بود معنای توقف طبیعی و حقیقی آن است که شیء متوقف در همه مراحل یاد شده بر آن متوقف‌علیه تکیه کند (جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۱۹۱).

#### ۴-۲- رابطه تقوا با اسمای الهی

رابطه تقوا با اسماء الهی را می‌توان به چند صورت تبیین کرد: الف) با توجه به رابطه تقوا و معرفت، با این توضیح که هرچند در آیه سیزدهم سوره حجرات، ریشه کرامت، تقوا قلمداد شده بود، باید توجه داشت که تقوا منشأ میانی کرامت است؛ زیرا تقوا و مراتب آن نیز وابسته به معرفت و مراتب آن است که این موضوع در بستر معرفت به اسماء الهی با مراتب آن، متبلور می‌گردد (رک: همان، ۱۵۰ و ۱۹۴)؛ ب) در قالب چند گزاره می‌توان این رابطه را تبیین و برهانی نمود: ۱- انسان مسافر به سوی خدا است: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه» (انشقاق / ۶) ۲- هر مسافری توشه راه می‌خواهد که تقوا است «و تزودوا فان خیر الزاد التقوی» (بقره / ۱۹۷) ۳- بُرد این رمتوشه تا لقاء الهی است «لن ینال الله لحومها و لا دماؤها و لکن یناله التقوی منکم» (حج / ۳۷) ۴- لقاء الهی در قالب لقاء ذات او که بسیط محض است ممکن نیست پس در قالب لقاء اسماء الهی با مراتب آن ممکن خواهد بود (رک: همان، ۶۵-۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۵۷، ۶۴۹-۶۵۰)؛ ج) برای تقوا مراتبی ذکر شده‌است یکی از آن مراتب، خودنگهداری از غیر لقاء اسماء الهی است (انصاری شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۴، ۶۷۹).

#### ۴-۳- رابطه ارتقای درجات کرامت انسان بر محور ارتقا در درجات تقوا

این رابطه را می‌توان به چند صورت توضیح داد: الف) تقوا یک مقام خاص دینی و معنوی نیست؛ بلکه یک حالت روحی است که با تمام مقامات معنوی جمع می‌شود و برای هر درجه از مقامات معنوی، تقوایی

به‌خصوص است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۶، ۱۲۸؛ رک: امام خمینی، ۱۳۷۵: ۲۰۶)؛ از این رو تقوا دارای مراتب و امری مشکک است و از مراتب آن، تقوای عام، خاص و اخص ذکر گردیده است (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۱۵۴-۱۵۵). ویژگی تشکیکی تقوا، کرامت را نیز که وابسته به آن است مشکک گردانده و دارای مراتب می‌سازد؛ ب) کرامت در حدوث و بقاء و شدت و ضعف، تابع تقواست و تقوا تابع علم و معرفت و ایمان و عمل صالح است و هریک از این امور نیز مشکک بوده و درجات بی‌شماری را برای انسان در تقوا و کرامت رقم می‌زنند (رک: جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۱۴۹ و ۲۰۹). بی‌تردید با دقت در مراتب تقوا و اموری که تقوا بر آنها مبتنی است، می‌توان ادعان داشت که تقوا حدی ندارد و کرامت نیز که وابسته به آن است بی‌حد می‌باشد (رک: همان، ۵۰ و ۵۶)؛ ج) علم، معرفت، ایمان و عمل صالح که امتداد بخش درجات تقوا و کرامت هستند، گاهی در حد حال، ملکه نفسانی، فصل مقوم ماهوی و فصل مقوم وجودی هستند که هرکدام از این مراتب، تقوا و کرامت متناسب با آن مرتبه را در انسان ایجاد می‌کنند؛ به این صورت که کسب فضائل و ترک رذائلی که حاصل علم، ایمان و عمل صالح است، گاهی به‌طور موقت است که در این صورت، تقوا و کرامت در حد حال، نصیب چنین انسانی می‌شود؛ اما برخی اوقات کسب مکارم و ترک رذائل به شکل ملکه نفسانی در می‌آیند که از دوام برخوردارند و نتیجه‌اش تقوا و کرامت در حد ملکه خواهد بود (همان، ۱۹۵-۱۹۶)، ولی در این صورت یک احتمال این است که فقط تغییر و تکامل در حد لوصاف انسان نمایان شود و ارتقایی در حقیقت وجود حاصل نشود و احتمال دیگر آن است که علاوه بر تکامل در لوصاف، گوهر ذات انسان نیز ترفیع وجودی پیدا کند و البته چنین انسانی تقوا و کرامتی متفاوت پیدا می‌کند (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۳۶، ۲۰۰-۲۰۵؛ ۱۳۸۹: ج ۲۰، ۲۰۴-۲۰۵).

#### ۵- شاخص لقای الهی و رابطه آن با اسماء الهی

در قرآن کریم از معاد انسان با تعبیرهایی مانند «رجوع» (بقره/ ۱۵۶؛ آل عمران/ ۵۵...)، «انقلاب» (عنکبوت/ ۲۱، زخرف/ ۱۴؛ اعراف/ ۱۲۵...)، «صیوروت» (بقره/ ۲۸۵؛ مائده/ ۱۸؛ شوری/ ۵۳...)، «لقاء» (انعام/ ۳۱؛ کهف/ ۱۱۰)، یاد شده است. از میان این عناوین، لقاء الهی بار معنایی خاصی داشته و هدف اصیل آفرینش انسان و پایان سیر او در مسیر کرامت به سوی خدا نیز به‌شمار آمده است (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۵۱؛ ۱۳۶۶: ۶۵) و می‌توان آن را نیز از شاخص‌های ممتاز کرامت اسلامی و ثمره آن ذکر کرد.

#### ۵-۱- رابطه لقای الهی با کرامت

این رابطه را به چند صورت می‌توان تبیین کرد: الف) در برخی از روایات، لقاء الهی از بزرگ‌ترین کرامات الهی نسبت به بندگان قلمداد گردیده است. در ذیل آیه شریفه: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (بقره/ ۴۶)

روایت شده «الذین یقدرون أنهم یلاقون ربهم اللقاء الذی هو أعظم کرامته لعباده» (الصالحی الاندیمشکی، ۱۳۸۸: ۲۱۲؛ رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ ج: ۴، ۱۷۶) و معراج انبیاء و اولیاء نیز با توجه به درجات آن‌ها در همین موطن لقاء الهی شکل می‌گیرد و از کرامات ویژه الهی محسوب گردیده است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۱۳، ۷-۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف: ج ۴۸، ۵۴-۵۷؛ ملاصدرا، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۲۳؛ ب) کرامت متوقف بر تقواست و وقتی تقوا متقی را تا لقاء الهی سیر می‌دهد، کرامتی که بر تقوا مبتنی است نیز او را تا لقاء الهی سیر خواهد داد؛ به این صورت که تقوا با توجه به آیه ۳۷ سوره حج، آن ظرفیت را دارد که از تمام حجاب‌های ظلمانی و نورانی عبور کند و به خداوند متعال برسد و وقتی تقوا تا لقاء الهی می‌تواند امتداد یابد، کرامت نیز که وابسته به آن است چنین خواهد بود (رک: جوادی آملی، ۱۳۶۶: ۶۵ و ۷۰؛ ج) افعال انسان برای صعود و رسیدن به لقاء الهی باید متصف به کرامت گردند؛ زیرا از یک طرف کرامت ضد پستی و لثامت است و کار متصف به پستی و لثامت نه به سوی خدا صعود می‌کند و نه به لقاء الهی می‌رسد و از طرف دیگر دو صفت سلبی و ایجابی کرامت یعنی نزهت از پستی طبیعت و اعتلاء به ماورای طبیعت به کارها هم توان صعود و هم ظرفیت لقاء الهی می‌دهند (همان، ۲۳ و ۷۶-۷۷).

#### ۵-۲- تبیین رابطه لقاء الهی با اسماء الهی

مفسران در رابطه با تفسیر آیات ناظر به لقاء الهی، نظر واحدی ندارند. برخی از آنها با رویکرد تزیینی، آیات ناظر به لقاء الهی را به «لقاء جزاء الهی» (اعم از ثواب و عقاب) یا «لقاء حکم الهی»، تفسیر کرده‌اند (رک: طوسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۰۶؛ ج ۱۰، ۱۹۷-۱۹۸ و ۳۰۹؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۲۲۰؛ ج ۸، ۴۲۸؛ ج ۱۰، ۶۰۱ و ۶۰۲؛ ۱۳۶۷: ج ۱، ۴۳)، اما این رویکرد به دلایلی قابل مناقشه است. اولاً برخلاف ظهور این آیات است. ثانیاً اصل، عدم تقدیر در آیات است و عدم تقدیر و تمسک به ظاهر این آیات به صورت شایسته با مبانی عقلی و نقلی منافاتی ندارد (رک: طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۸، ۲۳۸ و ۲۴۱ و ۲۵۷ و ۲۵۷؛ ج ۲۰، ۱۱۲). ثالثاً اصل آن است که الفاظ در معنای حقیقی نه مجازی استعمال شوند (رک: همان، ج ۱۶، ۱۰۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۴۸۰؛ فهری، ۱۳۶۰: ۶). رابعاً شواهد نقلی فراوانی برخلاف این رویکرد وجود دارد (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۴۶۴ و ۵۰۷؛ فهری، ۱۳۶۰: ۵ و ۵۵).

بنابراین لقاء الهی در ضمن شرایطی و در قالب درجاتی با چشم دل چه در دنیا در سطحی فروتر و چه در آخرت با سطحی فراتر امکان‌پذیر است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۸، ۲۳۷ و ۲۴۱؛ ج ۲۰: ۱۱۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ج ۳۰، ۲۵۸ و ۲۶۱ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۸)، اما از آنجاکه لقاء الهی در قالب لقاء ذات او که بسیط

محض است ممکن نیست، در قالب لقاء اسماء الهی با مراتب آن ممکن خواهد بود (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۵۷، ۶۴۹ و ۶۵۰).

### ۵-۳- رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر اساس ارتقاء در درجات لقاء الهی

این رابطه را به دو گونه می‌توان تبیین کرد: الف) بر فرض تفسیر لقاء الهی به لقاء بهشت و نعمت‌های آن؛ به این صورت که بهشت، دار کرامت است «و نُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا» (نساء / ۳۱) و اجر و پاداش خداوند متعال در آیات متعدد مقرون به وصف کریم شده است (یس / ۱۱؛ حج / ۵۱؛ انفال / ۴). کرامت الهی نسبت به بهشتیان با توجه به آیات قرآن کریم (یس / ۲۷؛ صافات / ۴۰ و ۴۳؛ معارج / ۳۵) که ناظر به درجات متفاوت آنها در علم، معرفت، ایمان و عمل صالح است یکسان نمی‌باشد و برخی از کرامت مطلق و بعضی از کرامت مقید با درجات متعدد برخوردارند (رک: طباطبایی، ۱۳۹۴: ج ۱۷، ۷۹ و ۸۰ و ۱۳۵ و ۱۳۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۵۷-۲۶۸). ب) از آنجاکه لقاء الهی در موطن ذات الهی امکان‌پذیر نیست، در موطن اسماء الهی اتفاق می‌افتد و چون اسماء الهی متعدد می‌باشند و از حیث احاطه و کلی و جزئی بودن در یک سطح نیستند، لقاء هر اسمی آثار متفاوتی خواهد داشت و به تبع آن میزان بهره‌مندی انسان‌ها از کرامت نیز متفاوت خواهد بود (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۹۹ و ۱۰۷-۱۱۰).

### ۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، کرامت انسان در اسلام با محوریت سه شاخص عمده‌ی خلافت الهی، تقوا و لقاء الهی و رابطه این شاخص‌ها با اسماء الهی مورد بررسی قرار گرفت. مجموع مباحث با بهره‌مندی از آرای آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله) در سه محور ارائه شد: الف- رابطه هر شاخص با کرامت الهی؛ ب- رابطه هر شاخص با اسماء الهی؛ ج- رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور ارتقاء در درجات هر شاخص. در تبیین شاخص خلافت مشخص شد که اولاً خلافت الهی منشأ و سند کرامت الهی است؛ ثانیاً خلافت الهی با درجات متعدد آن، مبتنی بر علم به اسماء الهی است؛ لذا خلافت الهی برای انسان با علم به اسماء الهی و مظهریت از اسماء محقق می‌گردد؛ ثالثاً تشکیکی بودن علم به اسماء الهی، خلافت مبتنی بر آن را نیز مشکک می‌سازد و به تبع آن کرامت نیز که مبتنی بر خلافت است، مشکک می‌گردد. در تبیین شاخص تقوا، در بررسی رابطه تقوا با کرامت، معلوم شد که انسان با مراعات جزء اول تقوا که صیانت ذات از آلودگی‌هاست به پستی و خواری که ضد کرامت است، تن در نمی‌دهد و درصدد تحصیل صفت سلبی کرامت بر می‌آید که با نزهت از پستی طبیعت ملازم است و با مراعات جزء دوم تقوا که تحصیل فضایل

است، به صفت ایجابی کرامت روی می‌آورد که با ارتقاء به ماوراءطبیعت همراه است. علاوه بر آنکه کرامت در نزد خداوند متعال بر تقوا متوقف گردیده است؛ یعنی کرامت در وجود و عدم، حدوث و بقاء و شدت و ضعف تابع تقوا است؛ زیرا اگر شبیهی بر شیء دیگر متوقف بود معنای توقف طبیعی و حقیقی آن است که شیء متوقف در همه مراحل یادشده بر متوقف‌علیه تکیه کند.

در بیان رابطه تقوا با اسماء الهی مشخص شد تقوا و مراتب آن وابسته به معرفت و مراتب آن است که این موضوع در بستر معرفت به اسماء الهی با مراتب آن متبلور می‌گردد. علاوه بر اینکه تقوا که توشه مسافرت به سوی خداست تا لقاء الهی امتداد دارد و از آنجا که لقاء ذات ممکن نیست، این حقیقت در قالب لقاء اسماء الهی واقع می‌شود.

در بررسی رابطه ارتقاء درجات کرامت انسان بر محور ارتقاء در درجات تقوا نیز مشخص شد کرامت مبتنی بر تقواست که موضوعی مشکک است. این ویژگی به کرامت هم سرایت می‌کند. همچنین کرامت در وجود و عدم، حدوث و بقاء و شدت و ضعف تابع تقوا است و تقوا هم در امور یاد شده تابع علم و معرفت و ایمان و عمل صالح است و هریک از این امور نیز مشکک بوده و درجات بی‌شماری را برای انسان در تقوا و کرامت رقم می‌زنند.

در تبیین شاخص لقای الهی نیز معلوم شد اولاً لقاء الهی از بزرگ‌ترین کرامات الهی نسبت به بندگانش قلمداد گردیده است و معراج انبیاء و اولیاء نیز با توجه به درجات آن‌ها در همین موطن شکل می‌گیرد؛ ثانیاً لقاء الهی ارتباط وثیق با اسماء الهی دارد؛ چراکه با توجه به آیات و روایات و مبانی عقلی و نقلی، لقاء الهی در ضمن شرایطی و در قالب درجاتی با چشم دل امکان‌پذیر است؛ اما از آنجا که این حقیقت در قالب لقاء ذات او که بسیط محض است ممکن نیست، در قالب لقاء اسماء الهی با مراتب آن ممکن خواهد بود؛ ثالثاً کرامت انسان با توجه به درجات لقاء الهی، دارای درجات متعدد خواهد بود.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- از اصول مشترک نظام حقوق بشر غرب و نظام حقوق بشر در اسلام، حق بنیادین کرامت انسان است (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۳۵) که از جمله حقوق اساسی انسان و بلکه فوق قوانین است (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۷؛ محقق داماد، ۱۳۹۷: ۲۵۶-۲۵۷)، لکن در وجوه افتراق کرامت در این دو نظام، می‌توان به مواردی اشاره نمود: الف) منابع کرامت انسان در حقوق بشر غربی همچون سایر مواد حقوقی بر عرف، آداب، آرای حقوق دانان و اراده دولت‌ها و بر مبنای انسان‌محوری است (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۹۱-۹۳ و ۲۴۱-۲۴۳؛ ۱۳۸۵: ب: ۱۱۱-۱۱۳؛ جعفری، ۱۳۸۶: ۵۶)، اما منابع کرامت انسان در حقوق بشر اسلام بر پایه قرآن کریم، سنت پیامبر و عقل و بر مبنای خدامحوری و براساس آموزه خلیفه‌اللهی می‌باشد (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۰-۴۲ و ۹۲-۱۰۰). تفاوت در منابع و مبنای این اصل به ظاهر مشترک در دو نظام حقوقی، تفسیرهای مختلفی را به بار نشانده و از همدیگر جدا ساخته است (همان، ۲۶۰). ب) هدف از حق کرامت و سایر حقوق در نظام حقوق غیراسلامی این است که انسان‌ها از استانداردهای مطلوب یک زندگی دنیوی متمدنازه بهره‌مند شوند (همان، ۲۴۲)، اما در نظام حقوقی اسلام این حق و سایر حقوق، دارای یک هدف متوسط و نهایی است. هدف میانی تحقق فضایل انسانی نظیر عدالت در جامعه و هدف غایی، لقای خداوند متعال می‌باشد (همان، ۵-۶ و ۲۳۳). ج) نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب، کرامت انسانی را منحصر به کرامت ذاتی کرده و از کرامت ارزشی اکتسابی سخنی به میان نمی‌آورد و در نتیجه حرکت کمالی انسان‌ها را در مسیر حیات معقول، متوقف ساخته‌اند (جعفری، ۱۳۸۶: ۵۷ و ۲۲۵ و ۲۴۴). د) متفکران غیراسلامی و برخی از اندیشمندان اسلامی حق کرامت ذاتی برای انسان‌ها را به‌طور مطلق می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که هیچ جرم و جنایتی این حق را نمی‌تواند سلب کند (رک: قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۶ و ۱۰۲-۱۰۸؛ نوبهار، ۱۳۸۴: ۶۲۰-۶۲۹). اما اکثر محققان اسلامی این حق را به‌صورت مطلق نمی‌دانند. برخی ارتکاب خیانت و جنایت بر خود و دیگران را موجب سلب این حق می‌دانند (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۲-۲۶۰؛ جعفری، ۱۳۸۶: ۲۲۴-۲۲۷) و برخی نیز عمل نکردن به مقتضای خلافت الهی را موجب از دست دادن آن می‌دانند (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ب: ۱۱۲-۱۱۳؛ ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۴۲).
- ۲- در باب اختصاص خلافت الهی به برخی انسان‌ها یا عمومیت آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده‌است (جهت تقدوبررسی آن رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۳۹-۵۷).

## منابع

- قرآن کریم
۱. آشتیانی، سید جلال‌الدین، (۱۳۸۰)، *شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم*، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب.
  ۲. آلوسی بغدادی، السید محمود، (بی‌تا)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ دوم، تهران، نشر جهان.
  ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
  ۴. انصاری شیرازی، یحیی، (۱۳۸۷)، *دروس شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری*، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
  ۵. جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۰)، *نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: ویلیام چیتیک، پیشگفتار: سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
  ۶. جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۲)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، بی‌جا، نشر فرهنگ اسلامی.
  ۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *حقوق جهانی بشر مقایسه و تطبیق دو نظام: اسلام و غرب*، چاپ دوم، تهران، علامه جعفری.
  ۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۶)، *کرامت در قرآن*، چاپ اول، قم، فرهنگ رجا.
  ۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، *فلسفه حقوق بشر*، چاپ چهارم، قم، اسراء.
  ۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، *فطرت در قرآن*، چاپ سوم، قم، اسراء.
  ۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۲۰، قم، اسراء.
  ۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۱)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۲۶، قم، اسراء.
  ۱۳. \_\_\_\_\_، (الف ۱۳۸۵)، *صورت و سیرت انسان در قرآن*، چاپ چهارم، قم، اسراء.
  ۱۴. \_\_\_\_\_، (ب ۱۳۸۵)، *حق و تکلیف در قرآن*، چاپ دوم، قم، اسراء.
  ۱۵. \_\_\_\_\_، (ج ۱۳۸۵)، *تفسیر تسنیم*، چاپ چهارم، ج ۴، قم، اسراء.
  ۱۶. \_\_\_\_\_، (د ۱۳۸۵)، *تفسیر تسنیم*، چاپ سوم، ج ۳، قم، اسراء.
  ۱۷. \_\_\_\_\_، (ه ۱۳۸۵)، *معاد در قرآن*، چاپ چهارم، قم، اسراء.
  ۱۸. \_\_\_\_\_، (الف ۱۳۸۶)، *ادب فنای مقربان: شرح زیارت جامعه کبیره*، چاپ پنجم، ج ۱، قم، اسراء.
  ۱۹. \_\_\_\_\_، (ب ۱۳۸۶)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۱۲، قم، اسراء.
  ۲۰. \_\_\_\_\_، (ج ۱۳۸۶)، *تفسیر تسنیم*، چاپ ششم، ج ۲، قم، اسراء.
  ۲۱. \_\_\_\_\_، (الف ۱۳۹۸)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۴۸، قم، اسراء.
  ۲۲. \_\_\_\_\_، (ب ۱۳۹۸)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۴۹، قم، اسراء.
  ۲۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۲)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۳۰، قم، اسراء.

۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *تحریر رساله الولاية شمس الوحي تبریزی*، سید محمدحسین طباطبایی، چاپ اول، تحقیق: حمیدرضا ابراهیمی، قم، اسراء.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، ج ۵۷، قم، اسراء.
۲۶. الجوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، *الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، الطبعة الاولى، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۷. خوارزمی، حسین، (۱۳۷۷)، *شرح فصوص الحکم*، تحقیق: آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۸. الخوری الشرتونی، سعید، (۱۴۰۳)، *اقرب الموارد فی فصیح العربية والشوارد*، قم، مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی.
۲۹. درودآبادی همدانی، سیدحسین، (۱۳۸۴)، *الشموس الطالعة فی مشارق الزیارة الجامعة*، تحقیق و تعلیق: محسن بیدارفر، قم، بیدار.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: محمد سیدکیلانی، چاپ دوم، بی‌جا، مکتبه المرتضویه.
۳۱. رجب، محمود، (۱۳۸۶)، *انسان شناسی*، چاپ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۲. صدرالدین شیرازی (مالصدرا)، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۴)، *تفسیر القرآن الکریم*، الطبعة الاولى، تصحیح: محمد خواجوی، قم، بیدار.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن الکریم*، تعلیقه: شیخ محمدجعفر شمس‌الدین، الطبعة الثانية، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۳۴. الصالحی الاندیمشکی، محمد، (۱۳۸۸)، *التفسیر المنسوب للامام الحسن العسکری (علیه السلام)*، الطبعة الاولى، قم، ذوی القربی.
۳۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، اعلمی للمطبوعات.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۵)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح و تحقیق و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی و سیدفضل‌الله یزدی طباطبایی، چاپ اول، تهران، ناصرخسرو.
۳۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷)، *جوامع الجامع*، تصحیح و تعلیق: ابوالقاسم گرجی، چاپ دوم، تهران، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و دانشگاه تهران.
۳۸. طریحی، فخرالدین، (۱۹۸۵)، *مجمع البحرین*، الطبعة الاولى، بیروت، مکتبه الهلال.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۶)، *التبیان فی التفسیر القرآن*، قدم له: شیخ آغابزرگ طهرانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، *کتاب التفسیر*، تصحیح و تعلیقه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه الاسلامیة.
۴۱. فرغانی، سعیدالدین سعید، (۱۳۷۹)، *مشارق الدراری: شرح تائیه ابن فارض*، مقدمه و تعلیقه: سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

## ۱۶۲ ■ شاخص‌های کرامت در اسلام و ارتباط هریک با اسماء الهی با تأکید بر آراء آیت‌الله جوادی آملی

۴۲. فهری، سید احمد، (۱۳۶۰)، (مقدمه و ترجمه و تعلیق) *رساله لقاء الله*، حاج میرزا جواد آغا ملکی تبریزی به ضمیمه مقاله لقاءالله امام خمینی، تهران، نشر نهضت زنان مسلمان.
۴۳. فیروزآبادی، محمدین یعقوب، (بی تا)، *القاموس المحيط*، الطبعة الاولى، بیروت، دارالجمیل.
۴۴. فیض کاشانی، محمدحسین بن مرتضی، (۱۳۹۹)، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، اعلمی للمطبوعات.
۴۵. قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۸۷)، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۵۲)، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۷. قشیری، عبد الکریم بن هوازن، (۲۰۰۰)، *لطائف الاشارات*، تحقیق: ابراهیم سیونی، مصر، چاپ سوم، الیهیة المصریة العامة للكتاب.
۴۸. قیصری، داوود، (۱۳۷۵)، *شرح فصوص الحکم*، تصحیح: جلال الدین آشتیانی، تهران، علمی فرهنگی.
۴۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، الطبعة الثانية، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۵۰. محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۹۷)، *مکتب اجتهادی آخوند خراسانی*، چاپ اول، تهران، علوم اسلامی.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، *مشکات (مجموعه آثار آیت‌الله مصباح یزدی)، نظریه حقوقی اسلام*، تحقیق: محمدمهدی نادری قمی و محمدرضا کریمی نیا، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، الطبعة الاولى، تهران، علامه مصطفوی.
۵۳. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۷)، *التفسیر الاثری الجامع*، الطبعة الاولى، قم، ستاره.
۵۴. المقرئ القیومی، احمد بن محمد، (۱۳۴۷)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، تصحیح: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بی جا.
۵۵. موسوی خمینی (امام خمینی)، روح الله، (۱۳۷۵)، چاپ نهم، *شرح چهل حدیث*، تهران، آثار امام خمینی.
۵۶. نوبهار، رحیم، (۱۳۸۴)، *دین و کرامت انسانی* (مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر)، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید.
۵۷. نوروزی، رضا، (۱۳۹۹)، "نقش خودشناسی در سبک زندگی اسلامی از منظر عقل و دین"، *دوفصلنامه عقل و دین*، شماره ۲۲، صص ۷۵-۹۰.